



انقلاب را سال که ۵۲ با
تشویق های برادرم به
جلسات آقای خامنه ای
می رفتیم، شناختیم



نیمروزی بانویسنده ۷۰ ساله که در نخستین تظاهرات مشهد حاضر بود

مهریه انقلابی

کارخانه ها فعالیت می کردند، خواندن و نوشتن می آموختم؛ بیشتر بچه های چهارراه عامل و میل کاریز بودند. وقتی سر کلاس می نشستند این قدر خسته بودند که بیشتر وقت ها سرهایشان روی میز بود و به خوابی عمیق فرو می رفتند. این تنها فعالیتی نبود که انجام می دادم.

آموزش معلمان دانشجو در پاساژ آقای رحیم پور

آموزش دانشجویان برای سوادآموزی به زنان روستایی و کودکانشان بخش دیگری از فعالیت ما بود. برای آموزش هر معلم یک هفته زمان می گذاشتیم. در پاساژ آقای حاج حیدر رحیم پور از غدی و برادرش حدود چهارراه شهدا به ما

شناخت انقلاب در نوجوانی

متولد ۱۳۳۷ مشهد هستم. انقلاب را زمان چهارده پانزده سالگی ام در سال ۵۲ که با تشویق های برادرم به جلسات آقای خامنه ای می رفتم، شناختم. برادرم از فعالان انقلابی بود. او من را با خیلی از کتاب ها و شخصیت های انقلابی آشنا کرد. مادرم هم از معلمان طرح پیکار با بی سوادی پیش از انقلاب بود. همان یکی دو سال پیش از انقلاب که من برای رفتن به دانشگاه پذیرفته شدم، او من را تشویق کرد که برای مبارزه با بی سوادی روستاییان همراهش باشم.

تدریس به کودکان خسته

هم زمان به کودکانی که در مزارع و

آزیتا حسین زاده - روایت انقلاب از زبان آدم هایی که در شهر خیلی سرشناس نیستند و در مکتوبات و مستندات انقلابی جایی ثبت نشده اند گاه بسیار شنیدنی است. همان ها که از نخستین تظاهرات انقلابی تا آخرینش بی هیچ ادعایی گوشه ای از هویت انقلاب را که در توانشان بود نوشتند و فکر انقلابی بی آنکه کسی بداند در روایت زندگی شان رسوخ عجیبی داشته و دارد. منیره خدا بخش حصار از آن خوبان روزگار است که حتی تاریخ از دواج و مهرش هم انقلابی است؛ یک جلد کلام... مجید همه چیزی است که او از همسرش در همان روز نامزدی شان در ۲۲ بهمن ۵۸ می خواهد. از دواجش با همکار میز روبه رویی در جهاد سازندگی می شود جهادی دیگر در راستای اندیشه امام خمینی (ره). یک مجلس کوچک با لباس عروسی که در روسری و مانتو و جادر سفید خلاصه می شد و سفره ای که وسایل داخل آن کتاب هایی انقلابی است از دکتر شریعتی، هاشمی نژاد و رساله امام عروسی که هم خنچه سر عقدش همین کتاب هاست و هم شاخه نباتش برای تقدیم به مهمانان. او پس از انقلاب از فعالان کمیته فرهنگی جهاد سازندگی بوده است. بازهای از زمان نویسنده و گزارشگر صداوسیما بوده و با اینکه تهیه کننده برنامه های رادیویی بوده تا دوران بازنشستگی و حتی پس از آن نویسنده کی و گزارشگری را ترک نکرده است. او نویسنده هفت رمان است. در بازهای از زمان مشاور فرماندار در کمیسیون بانوان شهر مشهد و نماینده صداوسیما در کمیسیون بانوان استانداری بوده است و دوسالی را در زمان فرمانداری سید جواد حسینی در مشهد مشاور او بوده است. خبریه ای هم دارد که سال هاست به صورت گمنام در حاشیه شهر مشهد فعال است و همراه ۱۵،۱۰۰ خیر دیگر، زنان سرپرست خانوار و کودکان یتیم را سرپرستی می کند.

